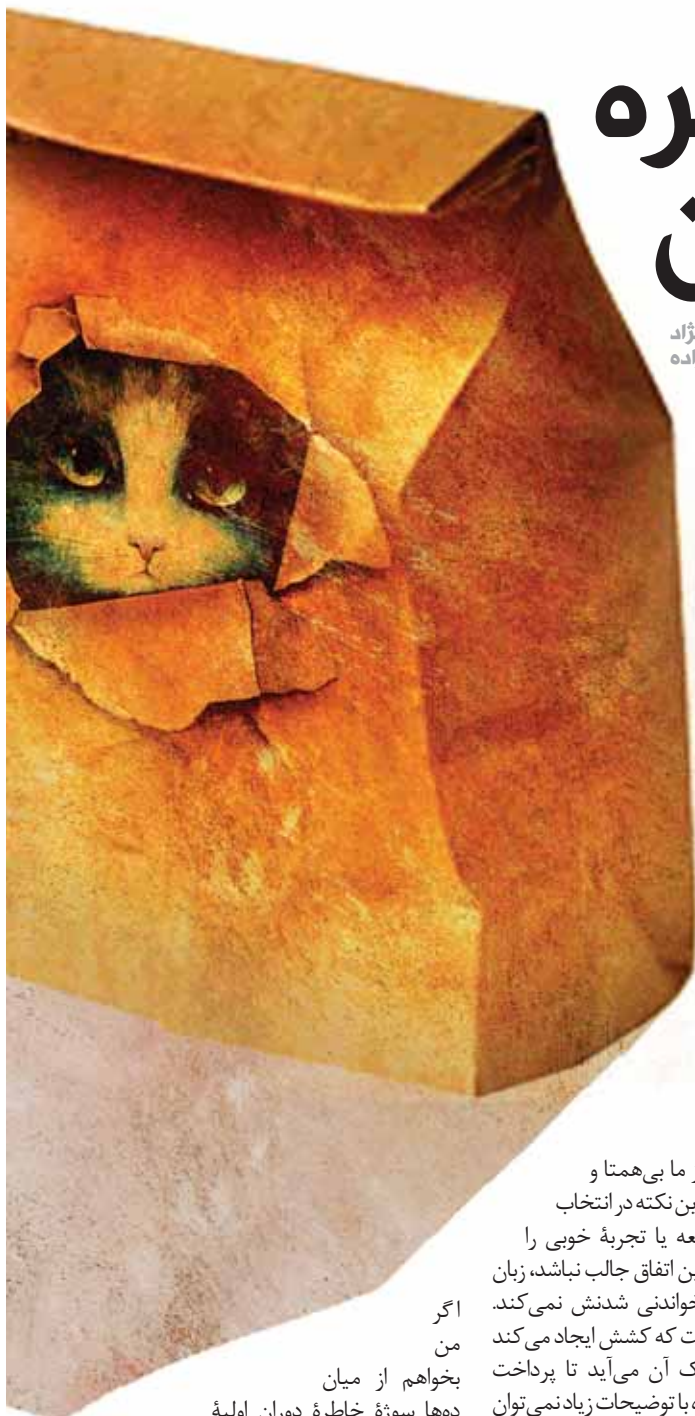


مرز خاطره و داستان

سیدحسین حسینی نژاد
تصویرگر: پیمان رحیمزاده



شما در نوشتن خاطره از کدام دسته افراد هستید؟ برخی خاطره را مخصوص بزرگان می‌دانند و می‌گویند ما که سمت و مسئولیتی نداشته‌ایم تا خاطره مهمی داشته باشیم! این گروه خاطره داشتن را متعلق به اشخاص مشهور می‌دانند، اما واقعیت این است که افرادی معمولی مثل ما نیز خاطرات خواندنی زیادی دارند. ارزش دارد قلم را برداریم و نگذاریم فراموش شوند. در وهله اول بهتر است برای خود و خانواده‌مان بنویسیم. بعد که کمی مهارت پیدا کردیم و توانستیم در دل خاطرات شخصی، نگاه‌های اجتماعی هم داشته باشیم، آن‌ها را برای چاپ در مجلات و کتاب‌ها بنویسیم. فراموش نکنیم، چون زندگی هر کدام از ما منحصر به فرد است، خاطراتمان نیز همین‌گونه خاص و منحصر به فردند. یادمان باشد، خاطره‌نویسی با نوشتن شرح حال تفاوت دارد. نوشتن شرح حال به زمان نیاز دارد. هرچه از سال‌های عمر ما بیشتر گذشته باشد، حرف‌های بیشتری هم برای نوشتن داریم. چون در شرح حال تصویری کامل از زندگی خود یا فردی دیگر (از زمان تولد تا زمان نوشتن شرح حال) ارائه می‌دهیم، در حالی که در نوشتن خاطره، وجود فکر و عقیده و یک احساس و حادثه، کافی است. این موضوع ویژگی متمایزکننده خاطره از شرح حال است. خاطره مجموعه‌ای تصادفی از وقایع زندگی یا داستانی از تولد تا مرگ نیست.

از کجا شروع کنیم؟

اگرچه زندگی هر کدام از ما بی‌همتا و استثنایی است، اما مهم‌ترین نکته در انتخاب خاطره این است که واقعه یا تجربه خوبی را برای بیان برگزینیم. اگر این اتفاق جالب نباشد، زبان مناسب هم کمکی به خواندنی شدنش نمی‌کند. درون‌مایه قوی خاطره است که کشش ایجاد می‌کند و نثر خوب هم به کمک آن می‌آید تا پرداخت مناسبی پیدا کند. هیچ‌گاه با توضیحات زیاد نمی‌توان خلأ ضعف موضوع خاطره را پوشش داد. خاطراتان باشد، در یکی از شماره‌ها نوشتیم، تهیه فهرستی از موضوعاتی که می‌خواهیم درباره‌اش بنویسیم، به ما کمک می‌کند موضوع مناسب و پرکششی انتخاب کنیم

اگر من بخواهم از میان ده‌ها سوژه خاطره دوران اولیه معلمی‌ام یکی را انتخاب کنم، ابتدا چنین فهرستی تهیه می‌کنم: چگونه شد که معلمی را انتخاب کردم، دوران تربیت معلم، اعتصابات آن روزگار، فعالیت‌های دانشجویی، حقوق پربرکت

نیز بیان کنید.

«خواننده‌ای را تصور کنید که از شما، خانواده‌تان و محل زندگی‌تان هیچ نمی‌داند. فرض کنید داستان خود را برای چنین شخصی تعریف می‌کنید. به این ترتیب، می‌توانید توضیحات پیش زمینه‌ای کافی را در اثرتان ایجاد کنید.

«موقعیت‌های متنوعی را برای موضوع نوشته انتخاب کنید تا بتوانید تصویری کامل از زندگی‌تان به‌دست دهید. شما که همیشه در حال خندیدن یا گریه کردن نیستید. گاهی تأثیرگذارترین خاطره‌ها درباره اتفاقات عادی زندگی هستند.

تاکنون خاطرات زیادی از همکاران به‌دستمان رسیده است. ضمن تشکر از این عزیزان، چند نمونه را با هم می‌خوانیم:

هدیه زنده

مژگان سلطانی

آموزگار و سرگروه درسی استان آذربایجان

شرقی / ناحیه ۴ تبریز

سال ۸۰ در پایه دوم بودم. هفته معلم بود و مدرسه حال و هوای دیگری داشت. اولیا به‌دلیل فقر مالی توانایی خرید هدیه را نداشتند. از طرفی هم با پافشاری از ناحیه فرزندانشان مواجه بودند. باوجود اینکه از بچه‌ها و اولیا خواسته بودم برای من هدیه‌ای نخرند و فقط یک نامه با چند جمله برآیم بنویسند، هر روز یکی دو جفت جوراب به‌عنوان هدیه می‌رسید. آخرین روز هفته معلم بود. دانش‌آموزی در آغازین ساعت ورود به کلاس پاکتی را به‌عنوان هدیه به من داد. من هم به گمان اینکه داخل پاکت میوه است (شبه پاکتی پر از سیب بود) آن را روی میز دفتر مدرسه گذاشتم و به کلاس برگشتم. چند دقیقه بعد، معاون مدرسه به کلاس آمد و گفت پاکتی که روی میز اتاق دفتر گذاشته‌ای تکان می‌خورد. آن را

جنبه‌های داستان و خاطره را در هم می‌آمیزیم. وقایعی که شما آن‌ها را توصیف می‌کنید، باید واقعا اتفاق افتاده باشند. روراست نبودن در نوشتن خاطره می‌تواند باعث ایجاد مشکل شود. شما نمی‌توانید از زندگی خودتان بنویسید و در عین حال دروغ بگویید، ولی می‌توانید با اضافه کردن عناصر داستان به خاطره‌تان، آن را به داستانی خوب تبدیل کنید. خاطره براساس مرور وقایع و افراد واقعی به‌وجود می‌آید. با این حال، خاطره خوب تکنیک‌ها و ساختار داستانی از جمله طرح داستان، شخصیت و گفت‌وگو را همراه با تمرکز بر پردازش داستان در خود دارد. از این‌رو خواندن داستان‌های خوب به ما کمک می‌کند در پرداخت خاطراتمان از عناصر زیبایی داستان استفاده کنیم.

نکته دیگر اینکه هرچه نوشته‌تان احساسی‌تر باشد، باید وقفه بیشتری بین نگارش و ویرایش آن ایجاد کنید. از مقام کسی که آن اتفاق را واقعا تجربه کرده است فاصله بگیرید و بعد، از نگاه یک خواننده، ببینید که تا چه حد لازم است اتفاق را توضیح دهید. باز هم تأکید می‌شود که در زمان نوشتن خاطره باید مهم‌ترین و جالب‌ترین بخش زندگی‌تان را روی کاغذ بیاورید، نه کل تاریخچه زندگی‌تان را.

چند راهکار برای تبدیل کردن خاطره به اثری خواندنی

«در توصیفات خود از هر پنج حس استفاده کنید، به طوری که خواننده بتواند صحنه‌ای را که در آن قرار دارید ببیند، بشنود، ببوید، بچشد و لمس کند. باید بتوانید صحنه مورد نظرتان را دوباره در ذهن خواننده خلق کنید.

«از گفت‌وگو استفاده کنید و ویژگی‌های ظاهری و درونی شخصیت‌ها و کارهایشان را توصیف کنید. به یاد داشته باشید خود شما هم یکی از شخصیت‌ها هستید. پس باید به طریقی حضور فیزیکی خود را

دوران دانشجویی، مدیر مرکز، مدرسان و دیدگاه‌های آنان، اولین ابلاغ، اولین روز ورود به روستای سنجگان قم، آمادگی‌ام برای آموزش دادن، راهنمای تعلیماتی، نحوه حضور در روستا و... اکنون راحت‌تر می‌توانم یکی از آن‌ها را انتخاب کنم و درباره‌اش بنویسم.

کلید موفقیت در این کار این است که خاطرات و تجربه‌های برجسته‌تر را از بین خاطرات و جزئیات معمولی‌تر بیرون بکشیم. باید تلاش کنیم به احساسات متضاد اثرمان (بذله‌گویی و جدیت، سختی‌ها و بخشش‌ها) تعادلی نسبی ببخشیم. باید بتوانیم آن را در چشم خواننده باورپذیر کنیم

خاطره و داستان‌نویسی

فراموش نکنیم که در موقع خاطره‌نویسی، نه داستان‌پردازی می‌کنیم و نه خیال‌پردازی، بلکه



